



*Shaere.ir*

«جادوی چشم»

جادوی دو چشمم که تو را ساحره شد

تکلیف تو با غصه ی دل یکسره شد

افسون شده ای خدا به دادت برسد

حتی نفست در نفسم سیطره شد

یوسف به تمنای وصالیست عجب

اینبار زلیخاست چنین طاهره شد

در دام منی و حسرت دانه و آب

آزادی از این قفس فقط خاطره شد

باید که به گوری ببری خلوت ما

فتانه ی شبهای جنون باکره شد

زینی ست به پشت و هم گهی پشت به زین

نوبت به من و قسمت و این دایره شد

